

## دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر فناوری موشکی)

سعید غلامی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

### چکیده

دیپلماسی دفاعی، بخشی از سیاست‌های دولت است که به‌عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان نیروهای مسلح نقش‌آفرینی می‌کند و هدف آن را می‌توان ایجاد شرایط سیاسی و ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه دانست. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاسی، دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، درگیر مشکلاتی مانند تحریم نظامی، جنگ با عراق و... گردید. اما جمهوری اسلامی ایران در طی این دوره با برخی از تاکتیک‌های دیپلماسی دفاعی خاص در زمان‌های متفاوت سعی در برطرف‌کردن این قبیل مشکلات کرد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که باتوجه به تحریم‌های نظامی و تهدیدات موجود در منطقه، جایگاه و عملکرد فناوری موشکی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشبرد اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، در راستای اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی و تولید قدرت است که در جهت مقابله با تهدیدهای نظامی پیرامون منطقه‌ای و خنثی‌سازی آنها، به بومی‌سازی و راهبرد بازدارندگی براساس فناوری‌های موشکی و همچنین جنگ نامتقارن روی آورده است. روش این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است و مطالب مندرج در آن از طریق روش کتابخانه‌ای و باتکیه بر اخبار و گزارش‌های روزنامه و سایت‌های خبری جمع‌آوری شده است.

### کلید واژه‌ها

دیپلماسی دفاعی؛ بازدارندگی؛ فناوری موشکی؛ جنگ نامتقارن.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)  
politicgholami@gmail.com

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در طول مدت حیات خود علی‌رغم تحریم‌ها و تهدیدهای نظام سلطه، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه صنایع دفاعی داشته است. این امر علاوه بر شکوفایی توانمندی‌های بومی، موجب بازدارندگی گسترده‌ای برای کشور شده است. جمهوری اسلامی ایران باتوجه به تجربه‌های گرانها در هشت سال دفاع مقدس تلاش خود را بر استقرار نظام دفاعی - امنیتی مستقل قرار داده است. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور مستقل و درحال پیشرفت و صنعتی شدن، یکی از اهداف اصلی خود را ارتقای امنیت کشور باتوجه به مؤلفه فناوری در نظام بین‌الملل تعیین کرده است؛ به‌طوری‌که، ارتقای دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه فناوری، به‌ویژه فناوری موشکی، از اهداف راهبردی کشور برای بازدارندگی و حفظ امنیت آن است و ایران نیز به‌عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی، همانند دیگر کشورها، برای رشد و ارتقای سطح فناوری و دانش موشکی و برای حفظ موجودیت و امنیت خود در مقابل تهدیدات نیاز به ارتباط با دیگر کشورها و به‌نوعی نیاز به تحرک فناوری موشکی دارد.

در این روند، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری در کنار دیگر ابزارها نظیر تجهیز، توسعه و ترمیم و تقویت قدرت در قالب به‌کارگیری و تولید قدرت نرم و راهبردی، جهت پیشگیری و مقابله با تهدیداتی است که برای یک واحد سیاسی فرض می‌شود. از طریق این ابزار، می‌توان تهدیدات را شناسایی و متناسب با نوع تهدیدات، زمینه قدرت‌سازی و سازماندهی قدرت ملی را فراهم کرد و از طرفی زمینه‌های همکاری راهبردی با واحدهای منطقه‌ای را فراهم ساخت. در این روند، دیپلماسی دفاعی ترکیبی از دو بُعد قدرت نرم و سخت و تحقق آن در محیط بین‌المللی است.

حال باتوجه به تحریم‌های نظامی و تهدیدات موجود در منطقه، جایگاه و عملکرد فناوری موشکی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشبرد اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، در راستای اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی و تولید قدرت است که در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای

و خنثی‌سازی آنها، به بومی‌سازی و راهبرد بازدارندگی براساس فناوری‌های موشکی روی آورده است.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که لزوم انجام این پژوهش را مطرح می‌کند، مؤلفه تهدید و امنیت است. جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای مهم و راهبردی منطقه و جهان است که در طول تاریخ، به‌ویژه دوران معاصر همواره با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است؛ هرچند که این تهدیدات در زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت بوده است.

#### چارچوب نظری: دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی دفاعی یک مفهوم سازمانی برای دفاع، مرتبط با فعالیت‌های بین‌المللی است که پس از جنگ سرد در غرب به پیشگامی وزارت دفاع انگلستان ارزیابی تازه‌ای از آن به‌وجود آمد. کشورهای غربی از دیپلماسی دفاعی در "مواجهه با محیط امنیتی بین‌المللی جدید" استفاده می‌کنند (www.bt.com.bt) و آن را در جهت رویکرد کنش‌گرایانه برای تعامل با نظام بین‌الملل و افزایش اعتمادسازی با استفاده از نیروهای نظامی و خارج‌کردن آنها از محدودیت‌های گذشته و سوق‌دادن به مشارکت در عرصه بین‌المللی، به‌کار گرفته‌اند. دیپلماسی دفاعی در نگاه اول دارای یک تناقض است (بلوچی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)؛ چراکه دیپلماسی ابزاری نرم در مقابل رویکرد سخت دفاع است، اما با ورود به عمق بحث، دیپلماسی دفاعی دربرگیرنده هر دو بعد قدرت نرم، سخت و عملیاتی‌کردن آن در محیط بین‌المللی است، به‌گونه‌ای که منافع و هدف‌های نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۷).

تناقض دیپلماسی دفاعی، برخاسته از تقسیم‌بندی کلاسیک مربوط به ابزارهای اجرای اهداف ملی در عرصه سیاست خارجی است که ابزارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را شامل می‌شود (Plessis, 2008: 49).

دیپلماسی دفاعی به‌جای تکیه بر معلول‌ها به علت‌انگاری می‌پردازد و مبتنی بر اصل پیشگیری در مقابل درمان و ابزاری تعیین‌کننده در معادلات جهانی است. دیپلماسی دفاعی مفهومی محوری برای جداسازی مفهوم امنیت از دفاع است که قدرت تنها در زمان بن‌بست دیپلماسی به‌کار گرفته نشود و در جهت رفع خصومت، حفظ استقلال و امنیت ملی، توسعه

قدرت نظامی و حداکثرسازی امنیت دفاعی و به‌طورکل ابزاری در خدمت راهبرد بازدارندگی است (ذوالفقاری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۱۲ - ۱۱۱).

در تعریفی دیگر: مفهوم «دیپلماسی دفاعی» عبارت است از: انجام مذاکرات و ایجاد روابط بین ارتش‌ها، توسط دیپلمات‌های نظامی که هدف از آن تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند. البته در تعریفی دیگر دیپلماسی دفاعی عبارت است از: فعالیت‌هایی مانند انجام گفتگوهای امنیتی و راهبردی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، دفاعی و نظایر آن از سوی ارتش‌های کشورها<sup>۱</sup> (تاج‌آبادی و مرادیان، ۱۳۹۳: ۵۳ - ۵۲).

اما درنهایت می‌توان گفت که: دیپلماسی دفاعی به‌منزله ارتقای قابلیت‌های ساختاری برای تحقق اهدافی محسوب می‌شود که زمینه‌های لازم برای اجرای قدرت در محیط‌های هرج‌ومرجی را به‌وجود می‌آورد. چنین روندی را باید بخشی از ضرورت تولید قدرت در محیطی دانست که معطوف به کاربرد ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی محسوب می‌شود. به‌این‌ترتیب، بن‌مایه دیپلماسی دفاعی به‌معنای «واداشتن طرف مقابل به انجام کاری طبق خواست ما یا بازداشتن او از انجام کاری مطابق اراده کنشگران» است. مهم‌ترین وجه تفاوت این دو مفهوم در بحث «توانایی اعمال قدرت» است. به‌عبارتی، برای دیپلماسی دفاعی ابتدا باید «قدرت» و سپس توانایی کاربرد قدرت» برای تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی و کنش سایر بازیگران در شرایط مبتنی بر مصالحه وجود داشته باشد (مینائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

---

۱. توضیح نشریه: این تعریف مربوط به دیپلماسی نظامی است، که بخشی از دیپلماسی دفاعی به‌شمار می‌رود.

**تعاملات و ارتباطات دیپلماسی دفاعی**

تعاملات و ارتباطات دیپلماسی دفاعی دارای سطوح، الگو و کنش‌های مختلفی است که در جدول زیر به این موارد اشاره می‌کنیم:

نشانه‌های کنش و تعامل بازیگران در فرایند همکاری‌های راهبردی	الگوی همکاری‌های راهبردی	سطوح دیپلماسی دفاعی
مبادله‌های آموزشی نظامی اعزام وابسته نظامی توافق‌های دوجانبه همکاری‌های علمی (نظامی) و فنی (نظامی) مذاکره برای ایجاد پایگاه نظامی توافق درمورد انجام رزمایش‌های مشترک دیدار رسمی ناوگان دریایی همکاری‌های فرودگاهی فروش و تعمیر تسلیحات نظامی انتقال فناوری	همکاری‌های نظامی دوجانبه	سطح دوجانبه دولت - ملت
ایجاد ساختارهای امنیتی منطقه‌ای حل منازعه‌های منطقه‌ای حضور در پیمان‌های امنیتی رزمایش‌های منطقه‌ای	همکاری‌های نظامی منطقه‌ای	سطح منطقه‌ای
حضور در عملیات حفظ صلح سازمان ملل حضور در عملیات بشردوستانه سازمان ملل حضور در پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای کمک به فرایند مداخله نظامی همکاری با بازیگران در روند اقدام‌های نظامی ائتلاف‌های راهکنشی و راهبردی امضای یادداشت‌های امنیتی و انجام مذاکرات راهبردی	همکاری‌های راهبردی	سطح بین‌المللی

منبع: غلامی، ۱۳۹۷: ۳۲

در حفظ امنیت هر کشور، علاوه بر تأکید بر قدرت دفاعی، توجه به دیپلماسی دفاعی در جهت اصلاح منطقه‌ای امنیتی<sup>۱</sup> و برای تقاعد دیگر ملت‌ها کاربردی بس مهم دارد؛ به نحوی که

1. Security Sector Reform

دیپلماسی دفاعی، اساسی برای تبیین راهبرد دفاعی است و امکان تبیین هنجارها را در امنیت ملی به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالی یک نظام سیاسی در قالب راهبرد کلان ملی است (انعامی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۳۰). امنیت ملی با بهره‌گیری از دیپلماسی دفاعی به دنبال همکاری بین‌المللی و گسترش همگرایی میان دولت‌هاست. با اینکه امنیت نظامی در حال حاضر، همچنان اهمیت خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های امنیت حفظ نموده است، اما تهدیدات در طیفی وسیع قرار گرفته‌اند و نمی‌توان برای مقابله با هر تهدید از ابزار قهری استفاده نمود. دیپلماسی دفاعی ابزاری برای پیشگیری از توسل به حربه نظامی است و برای کاهش تهدید و تبدیل تهدید به فرصت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به طوری که دیپلماسی دفاعی یک ابزار کنشگری در عرصه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تمام ابعاد آن است. به عبارت دیگر، کارکرد دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزاری برای حفظ امنیت، پیشگیری از کاربست قدرت سخت است.

یک بعد مهم مفهوم امنیت ملی، کاربست سیاست و راهبرد نظامی در جهت حفظ نظام داخلی در برابر تهدید خارجی است. بنابراین، کاربست دیپلماسی دفاعی به اصلی بنیادین برای روابط خارجی کشورها تبدیل شده است و کاربرد آن در رفع تخاصم انکارناپذیر است. امروزه "اغلب دیپلماسی دفاعی با جلوگیری از تعارض هم‌پیوند شده است" (Fabiani, 2003). با این رویکرد، در نهایت می‌توان دیپلماسی دفاعی را "بخشی از سیاست‌های دولت عنوان نمود که هدف آن ایجاد شرایط سیاسی، ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه است" (انعامی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۳۶). این نگرش به دیپلماسی دفاعی موجب تعریف امنیت نظامی و دفاعی در مفهومی نوین است که امنیت نظامی منحصراً در چارچوب سنتی خود تعریف نشود. مهم‌ترین مؤلفه در این تعریف نوین، کاربست دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزاری نرم برای گسترش نسبیّت امنیت دفاعی است.

مقایسه دیپلماسی دفاعی با راهبرد دفاعی و راهبرد نظامی

سیاست (دیپلماسی) دفاعی	راهبرد دفاعی	راهبرد نظامی
جهت‌دهنده و شکل‌دهنده به راهبرد دفاعی است.	جهت‌دهنده و شکل‌دهنده به راهبرد نظامی است.	جهت‌دهنده و شکل‌دهنده به راهبرد نیرویی است.
تأمین‌کننده امنیت کشور است.	تأمین‌کننده اقتدار دفاعی همه‌جانبه کشور است.	تأمین‌کننده اقتدار نظامی کشور است.
راهنمای اصلی و چارچوب راهبرد دفاعی است.	راهنمای اصلی و چارچوب راهبرد نظامی است.	راهنمای اصلی و چارچوب راهبرد نیرویی است.
تعیین‌کننده خط‌مشی‌های کلی در سطح ملی ( اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و...)	کاربرد مؤلفه‌های قدرت در سطح ملی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی)	به‌کارگیری نیروی نظامی برای نیل به اهداف ملی
هماهنگی و انسجام‌بخشی به راهبرد دفاعی	هماهنگی و انسجام‌بخشی به راهبرد نظامی	هماهنگی و انسجام‌بخشی به راهبرد نیرویی
ارائه سیاست‌های رسمی و کلی کشور در حوزه‌های دفاعی - امنیتی	ارائه راهکار کلی دفاعی - امنیتی در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی	ارائه راهکار نظامی
تدوین توسط سطوح سیاسی با مشارکت سطوح نظامی	تدوین توسط سطوح نظامی با مشارکت سطوح سیاسی	تدوین توسط سطوح نظامی
تحلیل کلی توسط سطح سیاسی	تحلیل کلی توسط سطح نظامی	هدف‌گذاری توسط فرماندهان نظامی
راهنمای عمل جهت تعیین منابع	طرح عملی برای تخصیص منابع	به‌کارگیری منابع در چارچوب طرح و دستور
تعیین خط‌مشی روابط دفاعی و تحلیل نقش نیروهای مسلح در دفاع همه‌جانبه	تعیین مأموریت نیروهای مسلح در دفاع همه‌جانبه	اجرای مأموریت توسط نیروهای مسلح
تعیین جایگاه صنعت در قدرت دفاعی	تعریف نیازهای صنعت دفاعی	استفاده از تولیدات صنعت

منبع: کلاتری، ۱۳۹۴: ۴۵ - ۴۴

کاردکدهای دیپلماسی دفاعی

می‌توان به برخی از کارکردهای دیپلماسی دفاعی، از جمله به اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی، تولید قدرت و... اشاره کرد. در ادامه به برخی از موارد اشاره می‌شود:

۱. یکی از شاخصه‌ها و کارکردهای سنجش قدرت نرم دفاعی کشورها را می‌توان میزان برخورداری از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> دانست. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از انواع دیگر سرمایه (سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، سرمایه انسانی) به‌خصوص در زمینه افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت، ارتقای همه‌جانبه جهانی، تقویت مشروعیت سیاسی، مشارکت، ثبات، پاسخگویی، روحیه ملی دولت‌ها و تحول در کارکردهای نظام سیاسی ایفا می‌کند.
۲. دیپلماسی دفاعی اقدامی آشکار برای امنیت‌سازی و گسترش ثبات محسوب می‌شود. چنین روندی از راه نقش‌آفرینی مقامات نظامی و دفاعی شکل می‌گیرد. امنیت پایدار، مستلزم توجه به تمامی وجوه امنیت است. یکی از الزام‌های نیل به وضعیت امنیت پایدار، برخورداری از قدرت دفاعی مناسب و توان بازدارندگی مؤثر و قابل‌اتکا می‌باشد تا بدین‌وسیله مانع از عملی‌شدن تهدیدهای خارجی شود. برقراری روابط «مؤثر» و «سازنده» با سایر کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، روند دستیابی به امنیت پایدار را تسهیل می‌سازد.
۳. دیپلماسی دفاعی مبتنی بر ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی است. الگوی تعامل در دیپلماسی دفاعی مبتنی بر تعامل چندجانبه با بازیگران دولتی و غیردولتی به‌منظور تحقق اهداف راهبردی است و به هر میزان سطح تعامل مؤثرتر باشد، نتایج بهتری را به‌دنبال دارد.
۴. دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان اقدامی در راستای به‌حداکثر رساندن منافع ملی و گسترش ثبات منطقه‌ای دانست. به‌عبارتی، اگر زمینه‌های وقوع منازعه‌ای شکل گرفته باشد، دیپلماسی دفاعی می‌تواند با میانجی‌گری، مانع از وقوع آن منازعه شود.
۵. دیپلماسی دفاعی با هدف و آرمان یک کشور سروکار دارد؛ هدف و آرمانی که در راهبرد کلان ملی نهفته است. بنابراین، دیپلماسی دفاعی خصوصیت هم‌تکمیلی دارد. این مفهوم می‌تواند تمامی گونه‌های رفتاری از انعطاف‌پذیری تا برخورد را در درون خود داشته باشد، بدون آنکه آن را به حوزه سخت‌افزاری سوق دهد.
۶. کشورها در برخی از موارد با مشکل عدم درک مناسب و صحیح از واقعیت مواجهند که در بخش‌هایی از جمله در حوزه دفاعی چهره پوشیده‌تری به‌خود می‌گیرد. تحت این شرایط،

1. Social Capital



دیپلماسی دفاعی یک عنصر امنیت‌ساز به‌شمار می‌آید و چنین کارویژه‌ای از راه ایجاد ادراک متقابل میان کشورها و روش‌های مسالمت‌آمیز همراه با عنصر مدیریت فراهم می‌شود. از سوی دیگر، شفافیت‌سازی و درک متقابل، پیوند وثیقی با اعتمادآفرینی دارند. چنین شرایطی را باید متضمن تقویت همکاری‌های دفاعی و در نتیجه، ارتقای قدرت نرم کشورها دانست. به‌عبارتی، در پرتو فعال‌سازی سازوکارهای دیپلماتیک در حوزه دفاعی و امنیتی می‌توان امکان ایجاد تحول اساسی در برداشت‌ها، نگرش‌ها و ساختارهای بین‌الذنه‌ای را به‌وجود آورد. از این جهت، دیپلماسی دفاعی را «خلع‌سلاح‌کننده اذهان» دانسته‌اند (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۵ - ۱۴).

۷. دیپلماسی دفاعی یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی است. این مفهوم به‌معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع به‌منظور بالابردن سطح تعاملات همکاری‌جویانه میان کشورها محسوب می‌شود.

۸. بخشی از دیپلماسی دفاعی ماهیت پنهانی دارد. این امر به مفهوم شرایطی است که براساس آن، زمینه همکاری برای امنیت‌سازی مؤثر به‌وجود می‌آید. از آنجاکه دفاع و امنیت ماهیت یکسان دارند، از این رو، دیپلماسی دفاعی می‌تواند به‌صورت شکل‌بندی‌های آشکار و پنهان انجام شود.

۹. دیپلماسی دفاعی بخشی از نظام‌های کلی دفاع و امنیت کشور است. منظور از این امر، نظام‌های کلان ملی است که راهبرد امنیت ملی را تبیین می‌نماید و دیپلماسی دفاعی نیز موتور محرکه آن در حوزه نرم‌افزاری است.

۱۰. دیپلماسی دفاعی بر به‌کارگیری روش‌های همکاری‌جویانه و رویکردهای مبتنی بر امنیت متقابل از راه همکاری، موازنه و اعتمادسازی تکیه دارد. این امر نوعی روند همکاری دیپلماتیک براساس سیاست تنش‌زدایی است.

۱۱. دیپلماسی دفاعی سعی در جایگزین کردن ثبات به‌جای تنش دارد. به نوعی می‌توان نظریه قدرت نرم دیپلماسی دفاعی را یک نظریه ثبات‌محور دانست که افزون‌بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، بستر مناسبی برای مدیریت محیط امنیتی به‌شمار می‌رود.

۱۲. دیپلماسی دفاعی تلاش دارد تا زمینه‌ساز نیل به ادراکی مشترک و نگرشی واحد نسبت به تهدیدها و خطرات گوناگونی شود که محیط امنیتی را تهدید می‌کنند. این موضوع می‌تواند

علاوه بر یکسان‌سازی نگرش، یکسان‌سازی روش‌های پرداختن به آسیب‌پذیری و تهدیدها را نیز باعث شود.

۱۳. توسعه فناوری نرم و تحرک دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان یکی از ضرورت‌های دستیابی به بازدارنده نرم دانست. در چنین وضعیتی، دستیابی به توان بازدارنده از طریق اقناع‌کردن و ایجاد حس اعتماد و رضایت‌مندی در مخاطب تعقیب می‌شود (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۶ - ۱۵).

#### بازدارندگی منطقه‌ای به‌مثابه راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

بازدارندگی عبارت است از: متقاعدساختن حریف نسبت به اینکه هزینه‌ها و خطرات ناشی از خط‌مشی اتخاذی او، از منافع می‌شود، بیشتر است (فریدمن، ۱۳۸۵: ۱۵۳). اگر راهبرد دفاعی - امنیتی را به‌مانند لیدل هارت، هنر به‌کارگیری جنگ و نیروی نظامی برای کسب اهداف سیاسی (Hart, 1967: 333) یا شیوه‌های به‌کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی برای تحقق اهداف دفاعی - امنیتی کشورها در راستای سیاست‌های ملی تعریف کنیم، موقعیت راهبردی ایران در سطح منطقه‌ای با ویژگی‌هایی همچون داشتن همسایگان متعدد، وجود اختلافات عدیده میان آنها (به دلایلی همچون: منازعات مرزی و سرزمینی، مشکلات و مسائل قومی و اختلاف بر سر منابع)، بحران‌ها و مخاصمات پرسابقه، کشمکش‌ها و جنگ‌های درون منطقه‌ای، دخالت مستمر قدرت‌های بزرگ و پیچیدگی معمای امنیت، اندیشیدن به نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای را در اولویت سیاست‌گذاری ایران قرار می‌دهد. صحنه سیاسی - نظامی منطقه شامل محیط پیچیده‌ای است که علاوه بر کشورهای منطقه، قدرت‌های فرامنطقه نیز در آن درگیر هستند. براین‌اساس، راهکاری که در دستور کار سیاست‌گذاران ایرانی قرار گرفته است، علاوه بر بُعد منطقه‌ای بر ابعاد فرامنطقه‌ای نیز تأکید دارد. امنیت ملی ایران تحت تأثیر شاخص‌های ژئوپولیتیک، ویژگی‌های محیط منطقه‌ای و ضرورت‌های ساختاری است؛ بنابراین، با چالش‌ها و مخاطرات عدیده‌ای روبه‌روست که مدیریت آنها مستلزم رهنامه (دکترین) نظامی کارآمدی است. امروزه کشورهای راهبردهای دفاعی نامتعارف را مطرود دانسته و بازدارندگی متعارف را اساس رهنامه (دکترین) دفاعی خود قرار داده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران نیز باتوجه به اصول ارزشی و حقوقی خود، بازدارندگی نامتعارف هسته‌ای را رد کرده و اقتدار نظامی خود را به دفاع محدود می‌کند (ارغوانی پیرسلامی و پیران‌خواه، ۱۳۹۶: ۵۷).

چنانکه مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در دیدار با رئیس و مسئولان سازمان انرژی اتمی و جمعی از دانشمندان هسته‌ای کشور گفته بودند که: «ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ فکری، نظری و فقهی، داشتن سلاح هسته‌ای را گناه بزرگ می‌داند و اعتقاد دارد نگهداری چنین سلاحی نیز بیهوده، پرخطر و پرخطر است». ایشان همچنین در سخنرانی خودشان در اجلاس سران جنبش عدم تعهد در اوج افزایش فشارها به ایران ابراز داشتند که «سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است... جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظایر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند... من تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

باتوجه به این رویکرد، سیاست دفاعی ایران مبتنی بر دفاع بازدارنده است و نیروهای مسلح آن ملزم به دستیابی به بیشینه توان و اقتدار هستند تا در مواقع تهدید علیه منافع امنیتی کشور، با رویکردی تدافعی در اربعاب دشمن از آغاز حمله، ایجاد ثبات نسبی و پرهیز از جنگ مؤثر باشند (ارغوانی پیرسلامی و پیران‌خواه، ۱۳۹۶: ۵۷).

انتخاب موشک به عنوان مبنای بازدارندگی ایران علاوه بر مزیت‌های موشک، ناشی از تهدیدات منطقه‌ای و شرایط نظامی نیز بود. ایران بعد از جنگ به لحاظ موازنه نظامی در جایگاه پایین‌تری نسبت به همسایگان خود قرار داشت. در اواخر جنگ برتری هوایی کاملاً به نفع رقبای منطقه‌ای ایران بود. تعداد هواپیماهای عملیاتی ایران بین ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ از ۴۴۵ به ۱۵۰ فروند کاهش یافت. عراق در اواخر جنگ، به هواپیماهای پیشرفته میراژ فرانسوی دست یافت و دارای ۳۵۰ هواپیمای جنگی بود. عربستان نیز مقدار زیاد هواپیمای اف ۱۵ از آمریکا خریداری کرد. در حالی که ناوگان هوایی ایران تقریباً وابسته به کشورهای غربی خصوصاً آمریکا بود و فراهم کردن قطعات یدکی برای عملیاتی نگهداشتن آنها به اولویت اصلی نیروی هوایی

ایران تبدیل گشت. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باتوجه به حضور امریکا در خلیج فارس سرمایه‌گذاری عظیمی در زمینه خرید تسلیحات انجام دادند. هزینه نظامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بین ۲۰۰۷ - ۱۹۸۸ هفت برابر بیشتر از هزینه نظامی ایران بود. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ایران در این سال‌ها به ترتیب در حدود ۴۱۳,۷ میلیون دلار و ۵۵ میلیون دلار صرف هزینه خرید سلاح نمودند (پوراآخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

محیط امنیتی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر باز هم به شدت دستخوش تغییر شد. امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر با اشغال عراق و افغانستان در مجاورت مرزهای ایران حضور پیدا کرد و با عقد قراردادهای نظامی با کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس، حضور نظامی خود را در منطقه تقویت نمود. براساس گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۳، ریاض از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ توافقنامه‌هایی به ارزش ۷۵ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار برای خرید تسلیحات منعقد کرده است. امریکا در سال ۲۰۱۱ در حدود ۶۶ میلیارد دلار سلاح به عربستان فروخت. رژیم اشغالگر قدس نیز با گسترش برنامه هسته‌ای ایران به طور علنی ایران را به حمله نظامی تهدید کرد. درحالی که هیچ‌یک از انواع هواپیمای نظامی ایران به دلیل بُعد مسافت، توان مقابله با تهدیدات نظامی آن کشور را نداشتند. بنابراین، سرمایه‌گذاری ایران در زمینه موشک نه تنها در راستای حل مشکل راهبردی ایران بلکه توسعه و تولید موشک شیوه مقرون به صرفه برای غلبه بر عدم توازن منطقه‌ای و همچنین غلبه بر نیروی هوایی قوی‌تر کشورهای منطقه بود. همچنین ایران از طریق موشک می‌توانست مشکل عدم دسترسی به قطعات یدکی تسلیحات نظامی را جبران کند (پوراآخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۳ - ۱۷۲).

سیاست دفاعی ایران از یک سو براساس کاهش جنگ و تهاجم و استفاده از راه‌حل‌های دیپلماتیک برای عملیات خصمانه طراحی و از سوی دیگر براساس جنگ نامتقارن<sup>۱</sup> استوار شده است که عرضه‌کننده یک نیروی قوی برای دفاع از سرزمین خود است (Federation of American Scientists, 2012: 1).

### 1. Asymmetric Warfare

توضیح نشریه: اکنون در ادبیات نظامی از واژه جنگ ناهمگون به جای جنگ نامتقارن استفاده می‌شود.

عواملی همچون جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک، تجربه ایران در جنگ تحمیلی و همچنین واقعیت‌های ژئوپولیتیک در شکل‌گیری دکترین دفاعی ایران بسیار مؤثر بوده‌اند. اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک نقشی اساسی در تدوین راهبرد امنیتی ایران دارد و ایدئولوژی نظامی سیاسی عاملی تأثیرگذار بر ذهنیت و رویکرد راهبردی ایران برای طراحی ساختار دفاعی است. ایران در پیروی از آموزه‌های اسلام، مبنای امنیت خود را بر دفاع و رد هر گونه تجاوزگری قرار داده است؛ بنابراین در سیاست دفاعی خود به‌دنبال راهبردی بازدارنده و تدافعی است. تجربه ایران در جنگ تحمیلی نیز نقشی مهم در تأکید بر بازدارندگی و رویکرد دفاعی این کشور دارد؛ به‌گونه‌ای که این تجربه اراده نیروهای مسلح در افزایش توان بازدارندگی و تجهیز مجدد به جنگ‌افزارهای مدرن را تقویت کرد. از عناصر مهم در دکترین دفاعی ایران تأکید بر جنگ نامتقارن است که ناشی از تجربه ایران در جنگ با عراق است. تأکید بر جنگ نامتقارن (جنگ ناهمگون) به این دلیل است که این نوع جنگ توان بازدارندگی ایران را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد (ارغوانی پیرسلامی و پیران‌خواه، ۱۳۹۶: ۵۷).

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) که محیط امنیتی آن به بسیاری از کشورهای منطقه و جهانی مربوط می‌شود و برای حفظ امنیت خود و دفع تهدیدات احتمالی بدون توجه به نظام بین‌الملل، نمی‌تواند منافع خود را تأمین کند، با تهدیدها و فرصت‌های بسیاری مواجه است. براین اساس، طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای با توجه به دکترین دفاعی آن از ضرورت‌های سیاست دفاعی این کشور محسوب می‌شود. این راهبرد تحت تأثیر چند متغیر اساسی است: نظام بازدارندگی یکجانبه آمریکا در منطقه، متغیرهای جغرافیایی، محدودیت‌های ساختاری (همچون دکترین جنگ پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه آمریکا که مکمل، بازدارندگی یکجانبه آن در منطقه است و تحت فشار قرارداد کشورهای {به اصطلاح خودشان} حامی تروریسم)، نیروی نظامی ایران که متشکل از ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و همچنین قرارگرفتن در حدواسط خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا و اروپا (که محیط شبکه‌ای راهبردی را برای ایران به‌وجود آورده است). ساختار کلی نظام بازدارندگی ایران از نوع دفاعی است که براین اساس، سه نوع بازدارندگی دفاعی را در اختیار دارد:

### بازدارندگی شبکه‌ای

موقعیت ژئوپولیتیک ایران و فرارگرفتن بین سه حلقه مهم (خلیج فارس - آسیای میانه و قفقاز - جنوب آسیا) مزیت خاصی به ایران بخشیده است که این نظام شبکه‌ای، چشم‌انداز مطلوبی برای مقابله با تهدیدات احتمالی برای ایران به وجود می‌آورد.

### بازدارندگی غیرمستقیم یا مستقل

از آنجاکه بین ایران و امریکا عدم تقارن راهبردی وجود دارد، بازدارندگی غیرمستقیم یا مستقل، نسبت به بازدارندگی مستقیم و دوجانبه در خنثی کردن تهدیدات احتمالی مؤثرتر است.

### بازدارندگی متعارف دفاعی

در این حوزه ایران دارای چند مزیت است؛ از جمله اینکه راهبرد بازدارندگی تدافعی ایران تشویق‌کننده دفاع است. محیط پیرامونی ایران ناآرام است، بنابراین هر عاملی که باعث تشدید ناآرامی منطقه شود، به نفع ایران نخواهد بود. موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که دفاع را نسبت به تهاجم کم هزینه‌تر می‌کند و همچنین نیروهای مسلح آن بیشتر ساختاری تدافعی دارد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۱ - ۶۹).

### مفهوم بازدارندگی و جایگاه آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران موقعیت راهبردی و امنیتی ویژه‌ای دارد. مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر این وضعیت منحصر به فرد را ایجاد کرده است. جهان‌بینی، فرهنگ، نوع نظام سیاسی، موقعیت جغرافیای سیاسی، شعارهای انقلاب مبنی بر استقلال و آزادی، تجربه هشت سال دفاع مقدس، نداشتن متحد راهبردی، تنوع دشمنان و رقبای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و... هر کدام در شکل‌گیری فرهنگ دفاعی و امنیتی ویژه ایران تأثیر گذاشته‌اند. اندیشیدن درباره نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری امنیتی و دفاعی ایران است، اما تهدیدهای متوجه ایران افزون‌بر بعد منطقه‌ای، ابعادی فراتر از منطقه نیز دارد که به سیاست‌گذاران ایرانی آموخته است که در رهنامه (دکترین) دفاعی خود، هم منطقه‌ای و هم جهانی ببینند. در این محیط راهبرد ویژه بازدارندگی عنصر کلیدی امنیتی و دفاعی ایران بوده است و موفقیت و کارآمدی این رویکرد در طول ۳۸ سال گذشته توانسته امنیت ایران را در فضای غبارآلود و پرتنش منطقه حفظ کند. تهدیدات مدام دشمنان متنوع و بسیج توانمندی‌های آنها و تلاش برای به‌کارگیری گزینه نظامی علیه ایران و نابودی ایران یا تأثیر بر

تغییر رفتار ایران به دلیل منطق، قدرت، تأثیرگذاری و موفقیت راهبردهای بازدارندگی به نتیجه نرسیده است. راهبردهای الگوی بازدارندگی با توجه به هدف اصلی بازدارندگی که منصرف کردن دشمن از حمله احتمالی است، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: راهبرد تهاجمی و تدافعی. در راهبرد تهاجمی بازی‌های راهبردی مبتنی بر تهدید متقابل شکل خواهند گرفت؛ اما در راهبرد تدافعی، هدف حفاظت از نظام سیاسی یا منطقه‌ای است؛ به گونه‌ای که، در برابر حملات دشمن، بقای آن تضمین شود و دشمن را به این نتیجه رهنمون نماید که حتی در صورت حمله به آن کشور یا منطقه قادر به تسلیم کردن آن نیست و در نهایت، حمله هزینه بیشتری نسبت به دستاوردها دارد (امینیان و ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵: ۵۲).

تجربه ایران در جنگ تحمیلی نیز عامل مهمی در تأکید بر بازدارندگی بوده است. سیاست‌مداران ایران معتقد بودند که عراق وقتی به ایران حمله کرد که هرج و مرج حاکم بر کشور پس از انقلاب، پاکسازی نیروهای مسلح و ازدست‌رفتن حمایت سیاسی - نظامی قدرت‌های بزرگ از ایران این توهم را در ذهن رهبران عراق ایجاد کرد که توان بازدارندگی نیروهای مسلح ایران به شدت کاهش یافته است. بنابراین، غلبه بر ایران را حتمی می‌دانستند. در طول جنگ و پس از آن یکی از اقداماتی که برای افزایش توان بازدارندگی نیروهای مسلح اتخاذ شد، تجهیز مجدد به جنگ‌افزارهای نوین بود که یکی از مهم‌ترین این جنگ‌افزارها موشک‌ها می‌باشند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

بنابراین، در طول دهه‌های اخیر راهبرد امنیتی ایران بر مبنای بازدارندگی شکل گرفت و موشک‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در این رهیافت و در نتیجه، تأمین امنیت ایران بر عهده گرفتند. در واقع، اتخاذ الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های نظامی ایران را در مسیر اتخاذ راهبرد تدافعی و همچنین، تأمین امنیت ملی ایران برجسته می‌کند. در واقع، توانایی ایران در زمینه‌های نظامی و موشکی، توانایی بازدارندگی بیشتری را به آن خواهد داد و می‌تواند تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی کشور در این حوزه شود و موشک عامل مهمی در تأمین این هدف امنیت ملی ایران به‌شمار می‌رود (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۴).

به عنوان مثال؛ حمله موشکی که سپاه پاسداران در سال ۲۰۱۷ به استان دیرالزور در مرز سوریه و عراق انجام داد، در آخرین دقایق روز یکشنبه ۲۸ خرداد ۹۶ و هم‌زمان با آخرین شب قدر ماه رمضان با نام عملیاتی «لیلةالقدر» به وسیله ۶ فروند موشک بالستیک میان‌برد از پایگاه‌های موشکی نیروی هوافضای سپاه در استان‌های کرمانشاه و کردستان مواضع داعش (مقر فرماندهی و مراکز تجمع و پشتیبانی) در منطقه دیرالزور سوریه (فاصله حدود ۶۵۰ کیلومتر) را مورد اصابت قرار داد. این اقدام ایران با واکنش‌های جهانی و منطقه‌ای گسترده‌ای روبه‌رو شد. از جمله این بازتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. روزنامه «هاآرتص» در حساب توئیتری خود نوشت که ایران برای اولین بار طی ۳۰ سال گذشته موشک‌های میان‌برد خود را عملیاتی کرد و از آن استفاده کرد.
۲. روزنامه امریکایی «وال استریت ژورنال» در گزارش خود نوشت: سپاه پاسداران ایران در یک حمله بی‌سابقه و مستقیم مواضع داعش در دیرالزور را با موشک‌های سطح‌به‌سطح هدف قرار داد. همچنین این روزنامه در گزارش خود نوشت، سپاه هشدار داده است که به هرکس که به خاک ایران حمله کند، با همین روش پاسخ خواهد داد.
۳. کانال ۱۰ رژیم صهیونیستی نیز به نقل از یک مقام اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس گزارش داد که موشک‌های شلیک‌شده سپاه به داعش در سوریه از نوع موشک بالستیک شهاب ۳ با برد ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلومتر بوده‌اند.
۴. سردبیر نشریه «بیلد» آلمان در حساب توئیتری خود نوشت: لحظاتی بعد از اینکه امریکا جنگنده سوریه را ساقط کرد، ایران با شلیک موشک‌های میان‌برد به آن پاسخ داد.
۵. روزنامه امریکایی «نیویورک تایمز» در گزارشی نوشت: ایران برای تنبیه تروریست‌ها که اخیراً در تهران دست به حمله تروریستی زده بودند، با حمله موشکی به مواضع آنها در سوریه حمله کرد. این روزنامه امریکایی در ادامه افزود: این اقدام همچنین یک پیام به دشمنان ایران در منطقه از جمله عربستان، رژیم صهیونیستی و همچنین امریکا بود که دارای چندین پایگاه نظامی در غرب آسیا (خاورمیانه) است. همچنین روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت که حمله موشکی سپاه، نشانه‌ای از رشد قدرت نظامی ایران در منطقه است.



۶. شبکه خبری الجزیره قطر با اشاره به حمله موشکی ایران به مواضع داعش در دیرالزور گزارش داد؛ شلیک موشک‌های سپاه که برای اولین بار طی ۳۰ سال گذشته از مرزهای ایران خارج می‌شوند، چند ساعت پس از آن صورت گرفت که آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران گفته بود به دشمنان سیلی خواهیم زد و این بیانیه را در «وب‌گاه» خودش قرار داد.

۷. خبرنگار سی‌ان‌ان در تهران نیز در این باره گفته، حمله موشکی ایران به سوریه، نشان‌دهنده افزایش نقش ایران در تحولات سوریه است.

۸. بخش فارسی خبرگزاری «اسپوتنیک» با تیتراژ «سیلی را داعش خورد تا صدایش را دیگران بشنوند»، به بررسی این حمله پرداخت و نوشت: تلافی حمله داعش به تهران را ایران می‌توانست به شکل‌های مختلف پس بدهد، اما انتخاب گزینه استفاده از موشک‌های میان‌برد هم تلافی حمله بود، هم پیغامی برای حامیان داعش و بدیهی است که هدف ایران بیش از تلافی اخطار به دیگران بود. همچنین «اسپوتنیک» در ادامه با اشاره به موشک‌های بومی ایران نوشت؛ این مسئله که هیچ کشوری در زمان حمله عراق به ایران حاضر نشد به ایران موشک بدهد، باعث شد ایران خود دست‌به‌کار شود تا تسلیحات دفاعی موردنیاز را خود تولید کند و وابسته به خارج نباشد. امروز دیگر رؤیای ایرانی‌ها رساندن موشک به بغداد نیست؛ بلکه موشک‌های ایرانی از بالای سر بغداد به راحتی عبور می‌کنند و صدها کیلومتر آن‌طرف‌تر فرود می‌آیند (نسیم آنلاین، ۱۳۹۶/۳/۲۶).

#### جنگ‌های آینده

جمهوری اسلامی ایران از زمان پایان جنگ تحمیلی و پس از وقوع جنگ‌های بزرگ در محیط پیرامونی خود، نسبت به مفهوم جنگ آینده و نظریه‌پردازی در این خصوص، حساسیت نشان داد؛ به خصوص اینکه ایران کماکان تهدید اصلی خود را آمریکا می‌داند و در جنگ‌های دو دهه اخیر، همواره امریکایی‌ها یک طرف صحنه بوده‌اند. به همین دلیل، نوع رویکرد کشور به مفهوم جنگ آینده نقش بسزایی در جهت‌گیری‌های کلان دفاعی و امنیتی خواهد داشت. با این تأکید که روندهای آینده نامعلوم و نامطمئن و در عین حال، استنتاج تهدید مشخص و عینی امری کاملاً دشوار است. جنگ‌های آینده را از جنبه‌های مختلف تعریف می‌کنند که یکی از این جنبه‌ها، فناوری پیشرفته تسلیحاتی است. این فناوری تسلیحاتی در چهار دسته فناوری‌های

اطلاعاتی، نرم‌افزاری، سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های متعارف قابل شناسایی است. همچنین جنگ‌های آینده را از جنبه راهبردهای نظامی مورد استفاده دارای ویژگی‌هایی از جمله: انعطاف‌پذیری، گسترده شدن میدین نبرد، درهم‌آمیختگی سطوح سه گانه تاکتیک، عملیات و راهبرد، بهره‌گیری فراوان از عنصر اطلاعات و ضداطلاعات، آمادگی جهت رویارویی با نبردهای نامتقارن (ناهمگون)، پیش‌بینی سازوکار مناسب برای انطباق سامانه‌های پیشرفته تسلیحاتی با محیط‌های ناشناخته از طریق کسب زمان، توجه و تأکید بر نیروهای ویژه، توجه بیش‌ازپیش به رسانه‌های گروهی و اولویت‌دادن به جنگ‌های هوایی و موشکی می‌دانند.

درعین حال، ویژگی‌های جنگ آینده از منظر عملیاتی نیز عبارت است از: ناهمگون بودن در فناوری، تاکتیک و راهبرد؛ کوتاه بودن زمان درگیری؛ وسیع بودن منطقه نبرد؛ سرعت و شدت عمل زیاد؛ انطباق سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبرد؛ چرخش سریع اطلاعات؛ استفاده از افکار عمومی؛ قدرت، دقت و هوشمندی بالای تسلیحات؛ استفاده از فناوری‌های پیچیده و مدرن برای اداره جنگ؛ غیرتناوبی بودن جنگ؛ ائتلافی بودن؛ و اجرای عملیات روانی مستمر (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۱ - ۱۵۰).

بدون شک از مهم‌ترین محورهای راهبرد نظامی ایران، تلاش برای بازدارندگی همه‌جانبه و افزایش توانمندی دفاعی است که هدف اصلی قابلیت موشکی آن را دربر می‌گیرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری برای افزایش توان دفاعی انجام شد، اما برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی پیشرفته، مهم‌ترین تلاش در زمینه افزایش بازدارندگی دفاعی بوده است. اقتدار موشکی نه تنها جزئی از دکنترین دفاعی مبتنی بر بازدارندگی متعارف ایران است، بلکه مرکز آن نیز به‌شمار می‌رود. ساختار نظامی ایران در زمان پهلوی دوم برای تسلیحات امریکا شکل گرفت. در پی انقلاب و حمله عراق به ایران، جمهوری نوپای اسلامی خود را به لحاظ توان نظامی و به‌ویژه نیروی هوایی بسیار ضعیف و از منظر روابط بین‌المللی منزوی می‌دید؛ چون نیروی هوایی تنها به تجهیزات باقیمانده از دوران شاه مجهز بود که بعد از انقلاب، به دلیل تحریم تسلیحاتی از بازسازی آن محروم و در جنگ تحمیلی دچار رکود شد؛ بنابراین، برای جبران کمبودهای خود به سمت تسلیحات جایگزین، مانند موشک رفت.

تسلیمات موشکی در مقایسه با هواپیماهای جنگی و دیگر ادوات نظامی، به فناوری بسیار بالا نیاز ندارد و هزینه تولید و توسعه آنها نیز کم‌تر است. همچنین تولید موشک‌ها برای کشورهایی چون ایران که در دستیابی به فناوری‌های پیشرفته با محدودیت‌هایی مواجه هستند، به دلیل نیاز به زیرساخت‌های کم‌تر، آسانتر است. ایران با سرمایه‌گذاری روی ظرفیت‌های صنایع داخلی و واردات فناوری‌های تسلیحاتی از شوروی سابق، چین و کره شمالی موفق شد با وجود دسترسی اندک به فناوری غرب در راه رسیدن به اهداف دفاعی خود، گام‌های بلندی بردارد (قوام‌ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ - ۱۰۵). باتوجه به ماهیت دشمنان ایران، قدرت موشکی باید ارتقا یابد که این افزایش قدرت، بازدارندگی نظامی گسترده‌تری را به دنبال خواهد داشت.

#### جایگاه فناوری موشکی در امنیت جمهوری اسلامی ایران

دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نشان داد که محدودیت‌های موجود در معاهدات بین‌المللی در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی و منع استفاده از ابزارهای نظامی علیه شهروندان غیرنظامی مانع از استفاده عراق از این سلاح‌ها نشده و جامعه بین‌المللی نیز اقدامی جدی در این زمینه انجام نداده است. افزون‌براین، جنگ‌ها نقش بسیار بالایی موشک‌ها را در نبردهای آینده نشان دادند. شرایط منطقه‌ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی را در مقابل تهدیدات خارجی برای کشور گزینه اجتناب‌ناپذیر کرد. این امر با بومی‌سازی فناوری موشکی تحقق یافت و باتوجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرایند نوسازی و مدرن‌سازی صنایع نظامی، بر کسب و ارتقای فناوری موشکی بسیار تأکید شد (امینیان و ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵: ۵۳).

#### توسعه و تحول در موشک‌های بالستیک و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

افزایش سطح توانمندی موشکی، گام اساسی در توسعه فناوری‌های فضایی است که این امر برای ایجاد بازدارندگی مؤثر توسط ایران از طریق توسعه ظرفیت‌های فضایی و با ساخت موشک‌های قدرتمند و پیشرفته محقق خواهد شد؛ بنابراین، یکی از راهبردهای مؤثر توسط

ایران که از قابلیت انعطاف‌پذیری کارآمد به‌عنوان یک فناوری بومی و همچنین توانایی مقابله با تهدیدات گسترده برخوردار باشد، افزایش توانمندی موشک‌های بالستیک آن است. ایران یک نیروی موشکی در حال رشد و قوی است که محرومیت‌های جهانی تأثیر جدی بر آن نداشته است. این کشور باتکیه بر قابلیت‌های موشکی، سعی در ارتقای توان دفاعی خود دارد؛ بنابراین، برای رسیدن به اهداف خود نیازمند توسعه برد، ظرفیت حمل، دقت، آزمایش و اصول فنی به‌صورت بومی است (Cordesman, 2015: 1 - 2).

برای استفاده بیشینه از توان بازدارندگی موشک‌های بالستیک، ایران سعی در افزایش برد و دقت آنها داشته است؛ شاخصی که در مورد موشک‌های بالستیک بیش از همه بر آن تأکید می‌شود، برد آنها است. موشک‌های بالستیک طیفی از موشک‌های کوتاه‌برد (تا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر)، برد متوسط (از ۱۲۰۰ تا ۲۸۰۰ کیلومتر)، میان‌برد (از ۲۸۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر) و دوربرد یا قاره‌پیما (بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) را دربرمی‌گیرد. برد موشک‌های بالستیک را می‌توان با تغییر و کم یا زیاد کردن سوخت کم یا زیاد کرد. همچنین با انجام برخی اصلاحات و تغییر در تجهیزات و موتور آنها می‌توان برد این موشک‌ها را افزایش داد. ارتقای برد موشک‌ها برای کشورهایی که علاوه بر کشورهای همجوار، از سوی قدرت‌های فراتر از مرزهای خود نیز در معرض تهدید هستند، یکی از اولویت‌های راهبردی افزایش توان دفاعی راهبردی محسوب می‌شود. بنابراین، از نظر برد، نیازمندی کشورها متفاوت است. به‌همین دلیل ایران که علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای، مورد دشمنی بزرگتر آمریکا و برخی از اعضای ناتو نیز قرار دارد، نیازمند افزایش برد موشک‌های بالستیک است تا از این طریق، قابلیت بازدارندگی خود را در مقابل تهدیدات منطقه و فرامنطقه گسترش دهد. هدف نهایی ایران در افزایش برد، دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما است تا از این طریق، بازدارندگی فرامرزی خود را محقق سازد. هرچند ایران در حال حاضر فاقد این نوع موشک‌هاست، اما دسترسی به آن از توان فناورانه این کشور خارج نیست (قوام‌ملکی، ۱۳۹۰: ۹۹).

هرچه برد یک موشک افزایش یابد، تنظیم و حفظ دقت مسیر آنها دشوارتر می‌شود و به فناوری‌های پیشرفته‌تری نیاز دارد؛ بنابراین، از عوامل مهم دیگر در توانمندی موشکی علاوه بر

افزایش برد، تقویت دقت هدف‌گیری آنهاست تا اهداف نقطه‌ای مورد حمله قرار گیرند؛ در این صورت، توانایی‌های تاکتیکی موشکی افزایش می‌یابد (بشری، ۱۳۸۹: ۱۷ - ۱۶). بنابراین، یکی از مسیرهای آینده توسعه موشکی ایران علاوه بر افزایش برد، تقویت دقت برخورد موشک‌هاست که این توانمندی با استفاده از فناوری هدایت ردیابی داخلی و هدایت ماهواره‌ای و جدیدترین فنون اصلاح‌شده هدایت موشک انجام خواهد پذیرفت. جایگزینی سوخت مایع موتور موشک‌ها با سوخت جامد و استفاده از فناوری‌های چندمرحله‌ای در پرتاب موشک‌ها از قابلیت‌های مهمی است که ایران از آنها در موشک‌های خود استفاده می‌کند تا بدین طریق برد موشک‌های خود را افزایش دهد. به عبارتی استفاده از سوخت جامد به این دلیل که قابلیت مانور بیشتری به موشک می‌دهد و همچنین امکان ذخیره سوخت برای مدت طولانی‌تری را فراهم می‌آورد قابلیت بازدارندگی موشک‌های ایران را افزایش می‌دهد. موشک‌های سوخت جامد، بسیار سریع‌تر آماده شلیک می‌شوند، به سوخت‌گیری قبل از پرتاب نیاز ندارند و همچنین نیاز آنها به تعمیر و نگهداری کم‌تر است؛ بنابراین با استفاده از آنها مدت زمان لازم برای واکنش نسبت به تهدیدات دشمنان کاهش می‌یابد و توان دفاعی کشور دارنده آن بالا می‌رود (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

تلاش ایران برای افزایش برد، دقت و دیگر توانمندی‌های موشکی، همراه با شروع فعالیت‌های موشکی آغاز شد. در جنگ تحمیلی و اوایل جنگ شهرها، فعالیت موشکی ایران برای تولید موشک اسکاد - بی با برد ۳۰۰ کیلومتر آغاز شد و با ساخت موشک اسکاد - سی<sup>۱</sup> برای برد ۵۰۰ کیلومتر ادامه یافت. هرچند در طی جنگ، ایران موشک‌هایی را خریداری و تلاش کرد آنها را با نیازهای خود منطبق کند، اما بعد از آن درصدد بود به صورت بومی، موشک‌هایی برای برد بیشتر و سوخت جامد تولید کند، اما چون ظاهراً ایران به فناوری آن دست نیافت، در اواخر ۱۹۸۹ بیش از ۲۰۰ فروند موشک چینی CSS-8 با برد ۱۵۰ کیلومتر را وارد کرد. این نوع موشک سوختی جامد داشت و توسط یک پرتاب‌کننده به سمت هوا پرتاب می‌شد. در سال ۱۹۹۵ نیز موشک تک‌مرحله‌ای CSS-7 (با برد ۱۱۰ کیلومتر) با سوخت جامد را وارد کرد (Feickert, 2004: 2).

1. Scud-C

اما ایران از عملکرد این موشک‌ها راضی نبود، بنابراین، توسعه یک موشک جدید آغاز شد و زلزله ۲ به‌عنوان پایه انتخاب شد و در ادامه موشک فاتح ۱۱۰ تولید شد که در ابتدا برد آن ۲۰۰ کیلومتر بود. در نمونه ضدکشتی آن که خلیج فارس نام دارد، سامانه هدایتی آن تغییراتی کرده است (Cordesman, 2014: 73).

در سال ۱۳۹۱ نسل چهارم فاتح که دارای بردی بیش از ۳۰۰ کیلومتر و مجهز به سیستم نقطه‌زنی است، رونمایی شد. فاتح را دقیق‌ترین موشک ایرانی معرفی کرده‌اند که به‌کارگیری سامانه هدایت و کنترل بسیار دقیق، دقت آن در اصابت به هدف را ارتقا داده است. اما هسته اصلی نیروی موشکی ایران را موشک اسکاد - بی تشکیل می‌دهد که توسط روسیه طراحی شده، تک‌مرحله‌ای و با سوخت مایع است. ایران نخستین موشک اسکاد - بی را در واکنش به هجوم عراق از لیبی دریافت کرد، اما بعدها تعداد بیشتری را از کره شمالی وارد کرد (Cordesman, 2007: 137).

نمونه ایرانی این موشک، شهاب ۱ نام‌گذاری شده است. همچنین شهاب ۲ طراحی ایرانی از نمونه اسکاد - سی است که یک مرحله بالاتر از اسکاد - بی است (Cordesman, 2014: 75). موشک قیام دروازه ورود ایران به عرصه تازه در ساخت موشک‌های بالستیک است که براساس شهاب ۲ ساخته شده است و برای بهره‌گیری از روش‌های فناوری دقیق، هدایت و کنترل برای ایجاد پایداری بی‌نیاز از باله طراحی شده است و برد آن به ۸۰۰ کیلومتر افزایش یافته است. با تولید شهاب ۳ برتری دفاعی ویژه‌ای به ایران داده شد و این کشور تا سطح موشک‌های بالستیک ارتقا یافت، اما از آنجاکه برد آن کوتاه است، نمی‌تواند به‌عنوان موشک قاره‌پیما عمل کند. بنابراین، نمونه‌های دوربرد آن با فناوری بالاتر درحال توسعه است. ایران درحال تولید و توسعه موشک شهاب ۴ برای برد ۲۰۰۰ کیلومتر است که نسخه‌ای از موشک دومرحله‌ای «تپودونگ» کره شمالی است که در صورت استفاده از فناوری سه‌مرحله‌ای قادر به پوشش تمام کشورهای غربی خواهد بود. شهاب ۵ نیز ویژگی‌های موشک «تپودونگ» کره شمالی را دارد که دومرحله‌ای است و برد آن حدوداً ۶۰۰۰ کیلومتر برآورد شده است. موشک شهاب ۶ نیز که از راکتی با سوخت جامد که دو یا سه‌مرحله‌ای است استفاده می‌کند، بیشتر

شبهه شهاب ۵ است؛ اما با کم کردن وزن، برد آن از ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کیلومتر می‌رسد (کردسمن، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

به خاطر برد کوتاه شهاب ۳ تلاش شد موشکی با برد بیشتر و با سوخت جامد و مایع تولید شود؛ موشک‌های مبتنی بر شهاب ۳ با سوخت مایع را قدر ۱ و با سوخت جامد را سجیل و عاشورا می‌نامند (Hildreth, 2012: 23).

قدر ۱ از لحاظ سرعت، جزو سریع‌ترین موشک‌های دنیاست که برخی از منابع برد آن را ۲۵۰۰ کیلومتر تا ۳۰۰۰ کیلومتر تخمین زده‌اند. این موشک توان ضربه‌زدن به دورترین نقاط اروپا را دارد و بیش از ۷۰ درصد آسیا را در تیررس توان موشکی خود قرار می‌دهد. سجیل، نخستین موشک دوربرد (۲۰۰۰ کیلومتر) با سوخت جامد است که برخی از کارشناسان آن را برترین موشک بالستیک ایران می‌دانند که از سامانه پرتاب متحرک برخوردار است. موشک عاشورا ستون فقرات نیروی موشکی ایران است (ستون بالستیک دوربرد) که توانایی مؤثر ضربتی در مقابل مراکز جمعیتی و اهداف نقطه‌ای را فراهم می‌کند و همچنین جزو نخستین موشک‌های بالستیک دومرحله‌ای با سوخت جامد ایران است (Cordesman, 2014: 114).

اما نخستین موشک دوربرد بالستیک ایران که قابلیت هدایت و کنترل تا لحظه اصابت به هدف را دارد، موشک عماد است که قادر به انهدام اهداف خود با دقت بالایی است. این موشک قدرت بازدارندگی ایران را بیش‌ازپیش افزایش داده است. برد آن را ۱۷۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر تخمین زده‌اند و توان ضریب خطای آن کم‌تر از ۵ متر است که در مقایسه با شهاب ۳ دقت آن چهاربرابر شده است؛ این موضوع نشانگر جهشی بزرگ در بحث دقت است (روزنامه کیهان، ۲۶ مهر ۱۳۹۴).

گسترش تقویت و توسعه سامانه موشکی ایران نشانگر دو هدف عمده در سیاست دفاعی است؛ پیشرفت موشکی ایران از یک سو باعث افزایش و تقویت قدرت نظامی و دفاعی این کشور در روابط با منطقه و فرامنطقه شده و از سوی دیگر باعث گسترش توان بازدارندگی به خارج از مرزهای آن شده است. از پیامدهای مهم توسعه توان موشکی کشورها در جهان امروز، اهمیت جغرافیا است، بنابراین، تقویت فعالیت‌های موشکی این توانمندی را برای ایران به وجود می‌آورد تا برای ورود به جنگ و درگیری، هم‌مرز بودن با دشمن برای دفاع تهدیدات

جزو اولویت‌های مهم نباشد؛ چون استفاده از موشک‌های دوربرد و با دقت بیشتر، قدرت بازدارندگی را به خارج از مرزها گسترش داده است. همچنین موفقیت‌های ایران در افزایش قابلیت‌های موشکی از لحاظ دقت و برد، قدرت ضربتی نیروهای مسلح را تا حد زیادی افزایش داده و توان ویژه دفاعی به ایران داده است که در این صورت سیاست دفاعی آن قادر خواهد بود با تهدیداتی که از دوردست متوجه امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور است، مقابله کند. بر این اساس، دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران با تحول در فناوری سامانه موشکی به فراتر از مرزهای جغرافیایی توسعه یافته و همچنان در حال گسترش است.

دلیل اصلی گسترش توان بازدارندگی ایران به خارج از مرزها و تقویت توان دفاعی آن، به‌خاطر پیشرفت‌ها و تحولات در قابلیت‌های موشکی است که این پیشرفت‌ها و تلاش برای توانمندی موشکی، به چند دلیل اساسی صورت گرفته است:

۱. تجربه ایران در جنگ تحمیلی و درک اختلاف بزرگ بین قابلیت‌های موشکی ایران و عراق؛
۲. حضور گسترده آمریکا در منطقه و دشمنی آشکار با ایران، تغییر معنای امنیت و مورد تهدید واقع شدن محیط امنیتی غرب آسیا؛
۳. تأکید دکترین دفاعی ایران به بازدارندگی و جنگ نامتقارن (ناهمگون) برای دفاع از تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی؛
۴. تجهیز کشورهای منطقه به تسلیحات موشکی و سلاح‌های کشتار جمعی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در این حوزه؛
۵. برتری توان نظامی دو دشمن اصلی ایران (آمریکا و رژیم صهیونیستی) در عرصه نیروی هوایی و موشکی؛
۶. ویژگی اساساً بازدارنده موشک‌ها؛ با توجه به صرف هزینه کم و همچنین زمان کوتاه در دستیابی به آن؛
۷. تأمین امنیت ملی بهتر توسط برخورداری از توانمندی‌های خاص موشکی (مثل برد، دقت، سرعت، نقطه‌زنی، قدرت تخریب و توانایی، حمل).



به‌طور کلی می‌توان گفت ایران در جهت تقویت بازدارندگی فراسرزمینی خود، ایجاد گستردگی در نبردهای آینده و همچنین شکل‌گیری جنگ نامتقارن درمقابل دشمنان خود، اقدامات متناسبی را در زمینه فعالیت‌های موشکی انجام داده که هدف نهایی آن ارتقاء توان دفاعی کشور و بازدارندگی در برابر دشمنان است (ارغوانی پیرسلامی و پیران‌خواه، ۱۳۹۶: ۶۸ - ۶۷).

#### ناپوستگی توانمندی موشکی ایران با سلاح هسته‌ای و موشک قاره‌پیما (امنیتی شدن)

از جمله دلایل عمده امنیتی شدن توانمندی موشکی ایران، ارتباط دادن آن با تولید و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای است. در این خصوص، سه ادعای مجزا و مرتبط مطرح شده است: ۱. توانایی ذاتی موشک‌های بالستیک میان‌برد و برد بلند ایران در مورد حمل کلاهک هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی؛ ۲. توانایی تولید موشک‌های قاره‌پیما توسط ایران که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای و حمله به اروپا و خاک آمریکا خواهند بود؛ ۳. توسعه فناوری پرتاب ماهواره توسط ایران به‌عنوان پوششی برای ساخت موشک‌های قاره‌پیما که فناوری تولید آنها در بخش‌های زیادی مشابه فناوری تولید موشک‌های قاره‌پیماست.

امریکایی‌ها مدعی‌اند هنگامی که برنامه توسعه‌یافته موشک‌های بالستیک در کنار برنامه هسته‌ای ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، این نگرانی عمده وجود دارد که موشک‌های ایران دارای توانایی ذاتی حمل سلاح‌های کشتار جمعی نیز هستند (Hildreth, 2012: 1 - 10). کارشناسان موشکی آمریکا از جمله «استیفن هیلدرت»، گزارش تفصیلی خود را در دسامبر ۲۰۱۲م برای کنگره آمریکا تدوین کرد. وی در این مورد می‌نویسد: «دستیابی کشورها به موشک‌های بالستیک لزوماً برای آمریکا مسئله‌ساز نیست و درحقیقت، تعداد زیادی از دوستان و متحدین آمریکا دارای چنین موشک‌هایی با برنامه مدرن‌سازی آنها هستند، اما هنگامی که این برنامه توسط کشورهای دنیال می‌شود که با آمریکا دشمنی دارند، مغایر با منافع ملی آمریکا و دوستان و متحدین است و منبع نگرانی و تهدید تلقی خواهد شد. این نگرانی‌ها بیش‌ازهمه وقتی تشدید می‌شود که احتمال داده شود دشمن در پی توسعه سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای باشد که با موشک قابلیت پرتاب دارد (Hildreth, 2012: 5).

متأسفانه ایجاد پیوند میان توانایی موشکی ایران با سلاح هسته‌ای، غیر از ادعاهای مطرح شده توسط مقامات و کارشناسان نظامی، در بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت نیز مطرح شده است. در این قطعنامه، غیر از طرح ضرورت ممنوعیت دسترسی ایران به تجهیزات نظامی از جمله سامانه‌های موشکی، بندی درمورد جلوگیری از گسترش توانایی موشک‌های بالستیک و پیوند آن با سلاح هسته‌ای مطرح شده است. مطابق بند مذکور، ایران نباید هیچ‌گونه اقدامی درمورد موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای انجام دهد و همه دولت‌ها موظف به انجام تمام اقدامات ممکن برای جلوگیری از انتقال فناوری یا هرگونه کمک فنی به ایران در این خصوص هستند.

طرح این بند بدین شکل درمورد توانایی موشکی، سابقه حقوقی ندارد و در آن دفاع موشکی ایران که نقطه قوت بازدارندگی نامتقارن (ناهمگون) دفاعی کشور است، مورد اشاره مستقیم قرار گرفته است. به‌طور کلی، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از حیث محتوا و شکل، شدیدتر از قطعنامه‌های قبلی و مشتمل بر محورهای تأسیسی نوینی بود که به قصد فلج کردن امنیت و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران طراحی شد. اقدامات پیش‌بینی شده در این قطعنامه، به‌طور ضمنی ممکن بود ایران را تا سرحد جنگ و تقابل نظامی پیش ببرد. از جمله اقدامات پیش‌بینی شده در این قطعنامه، قابلیت تبدیل ماده ۴۱ منشور ملل متحد (تحریم‌های اقتصادی) به تقابل نظامی براساس ماده ۴۲ منشور است.

سومین موضوع برای امنیتی کردن توان موشکی به موازات برنامه هسته‌ای، ارتباط بین برنامه فضایی و پرتاب ماهواره ایران با تولید موشک‌های قاره‌پیما و سلاح هسته‌ای است. منابع امریکایی مدعی‌اند برنامه پرتاب ماهواره ایران با توجه به مشابهت فناوری‌های پرتاب ماهواره به مدار زمین در بخش‌های زیادی، با پروسه و فناوری تولید و توسعه موشک‌های قاره‌پیما، پوششی برای توسعه موشک‌های قاره‌پیما با برد حداقل ۵۵۰۰ کیلومتر است که می‌تواند کل اروپا و حتی امریکا را هدف قرار دهد. تولید موشک‌های قاره‌پیما با برد ۱۰۰۰۰ کیلومتر ایران را قادر به حمله مستقیم به خاک امریکا خواهد کرد. از سوی دیگر، همین کارشناسان امریکایی از میزان شفافیت بی‌نظیر ایران در خصوص نمایش تلویزیونی رزمایش موشکی و پرتاب

ماهواره و مصاحبه‌های باز مقامات مسئول نظامی و غیرنظامی در این مورد متعجب هستند (Hildereth, 2012: 10).

صرف‌نظر از نوع و محتوای ادعاهای مقامات و کارشناسان نظامی امریکایی، موضوع بسیار چشمگیر، حجم عظیم اطلاعات مکتوب و ادبیات‌سازی بسیار وسیعی است که در غرب و به‌خصوص امریکا راجع به توانمندی موشکی ایران منتشر می‌شود. این ادبیات مکتوب، به‌صورت تفصیلی تمام مؤلفه‌های کارآمدی این توان، نتایج آزمایش‌ها و رزمایش‌های نظامی و زیرساخت‌های داخلی این توانمندی و میزان کمک دریافتی از دیگر کشورها را در آنها مورد بحث قرار داده‌اند که گزارش آقای «هیلدرت» تنها یک نمونه از آنهاست.

در برابر این ادعاها، غیر از فتوای مقام معظم رهبری در مورد حرام‌بودن تولید و کاربرد سلاح هسته‌ای، مقامات کشوری و لشکری بارها تصریح کرده‌اند که در دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران، سلاح هسته‌ای جایگاهی ندارد و این نوع تسلیحات برای ایران متضمن هیچگونه امنیتی نیست. همان‌گونه که در مورد اهمیت نظامی موشک خود به‌عنوان ابزار نظامی کارآمد با توجه به تجربیات ارزشمند هشت سال دفاع مقدس، با کلاهک انفجاری متعارف، سلاحی با هویت مشخص و با کارکرد ممتاز راهبردی و بازدارندگی است و گزینش این ابزار نظامی در راهبرد دفاعی ایران، ارتباطی با کاربرد سلاح هسته‌ای ندارد.

در مورد تولید موشک‌های قاره‌پیما نیز همان‌گونه که فرماندهان نظامی و وزارت دفاع به‌صراحت اعلام کرده‌اند؛ اولاً، ایران به هیچ وجه قصد تولید موشک قاره‌پیما برای حمله به هیچ کشوری یا استفاده از آن به‌عنوان وسیله پرتابی سلاح هسته‌ای را ندارد و توان موشکی متعارف ایران صرفاً متضمن توان بازدارندگی دفاعی است. ثانیاً، توان بازدارندگی موشکی ایران از نقاط قوت و مهم‌ترین ابزارهای نظامی راهبرد دفاعی ایران است و به شکلی سازماندهی شده است که قدرت تلافی‌کوینده برای حفظ امنیت کشور ایجاد کند که دشمنان جرئت حمله به ایران را نداشته باشند. خوشبختانه در اثر فداکاری‌ها و تلاش‌های مجدانه‌ای که تاکنون توسط نیروهای ایثارگر نظامی صورت گرفته است، ایران در وهله نخست با پشتیبانی مردمی و انسجام اجتماعی داخلی، به‌رغم تهدیدات و چالش‌های امنیتی و در ثانی به قوت بازدارندگی

نامتقارن (ناهمگون) دفاعی، امنیت و بقای نظام را حفظ و کارآمدی توان موشکی در پیشبرد اهداف دفاعی را به اثبات رسانده است.

در این میان، گسترش سپر دفاع موشکی توسط امریکا و ناتو و متحدین جنوبی در خلیج فارس که به قصد بی‌اثرکردن کارآمدی توان موشکی در حال ایجاد و گسترش است، مهم‌ترین چالش در مقابل توان موشکی است که معمای امنیت را برای ایران به‌ویژه در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و خلیج فارس پیچیده‌تر خواهد کرد. از این‌رو، به نظر می‌رسد برای مقابله با این معمای امنیتی نوین، ضروری است ضمن حفظ و تداوم تقویت بازدارندگی دفاعی و رسیدن به کفایت معقول<sup>۱</sup> در دفاع فعال با تمسک به اصل دفاع مبتکرانه و مؤثر و به‌منظور اجتناب از درگیری ناخواسته در رقابت تسلیحاتی نامحدود ناشی از گسترش سپر دفاع موشکی که مشروعیت و قدرت بسیج اجتماعی نظام جمهوری اسلامی را با چالش جدی مواجه می‌کند، با تقویت دیپلماسی دفاعی مخصوصاً در روابط با همسایگان جنوبی اقدام شود. کفایت معقول دفاعی فعال بدین‌معناست که نیروی نظامی تنها یکی از وسایل لازم برای حفظ و صیانت از امنیت ملی است. چنین نگرشی، بازتاب واقعیات اقتصادی و اجتماعی و موقعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راهبرد امنیت ملی است و مستلزم پذیرش این واقعیت است که سلامت اقتصادی و اجتماعی در داخل و برخورداری از اعتبار و نفوذ در روابط بین‌المللی، از ارکان اصلی امنیت ملی ایران است. تأکید یک‌جانبه بر قدرت نظامی به‌عنوان تنها رکن و یا حداقل، مهم‌ترین رکن امنیت، از یک‌سو اقتصاد را به‌مخاطر می‌اندازد و از سوی دیگر، به تشدید معمای امنیتی با همسایگان منجر می‌شود و موجب بدگمانی و سوءظن این دولت‌ها مخصوصاً همسایگان جنوبی که خود را یک‌سره تحت‌الحمایه امنیتی امریکا در خلیج فارس قرار داده‌اند، نسبت به نیت و مقاصد جمهوری اسلامی ایران شده است؛ سوءظنی که موجب تشدید اقدامات آنها در تقویت نیروهای نظامی و مشارکت پرهزینه آنها در گسترش سپر دفاع موشکی در غرب آسیا و خلیج فارس شده است (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۳۰ - ۱۲۸).

ارقام نجومی قراردادهای تسلیحاتی عربستان، امارات متحده، قطر، کویت و عمان در خرید تسلیحات نظامی از امریکا، فرانسه و انگلستان و به‌ویژه تجهیز این کشورها به شبکه سپر دفاع

1. Reasonable Defense Sufficiency

موشکی مجهز به نسل سوم ضد موشک‌های «پاتریوت» و «تاد» و حضور تقویت‌شده ناوگان پنجم امریکا در بحرین که منجر به گسترش پایگاه‌های نظامی امریکا در قطر، کویت، امارات، عربستان و عمان شده است، به مسابقه تسلیحاتی ناخواسته برای ایران دامن زده و موجب الزام بیشتر ایران به تقویت بیش‌ازپیش قدرت نظامی‌اش شده است. بدین ترتیب، دور نوینی از مسابقه تسلیحاتی میان ایران و رقبا در پرتو تحولات گسترش سپر دفاع موشکی در حال شکل‌گیری است که نباید توجه تصمیم‌گیران سیاست امنیتی ایران را از سایر اجزاء امنیت ملی از جمله تحقق مقاومت اقتصادی که مورد نظر و خواست مقام معظم رهبری است، منحرف سازد.

در این خصوص، فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد، یکی از درس‌آموزترین پدیده‌های تاریخ روابط بین‌الملل است که نشان داد چگونه شوروی سابق به‌رغم دراختیارداشتن یکی از مقتدرترین ارتش‌های جهان در طول تاریخ، به‌علت ایجاد بحران ساختاری و اضمحلال اقتصادی و اجتماعی و بین‌المللی، از هم فروپاشید. هیئت حاکمه شوروی سابق خیلی دیر به این حقیقت آگاهی پیدا کرد که عمده‌ترین خطر علیه امنیت ملی، جنبه نظامی نداشت، بلکه بیش از همه تهدیدهای دارای ماهیت اقتصادی و سیاسی بود و برخورداری از توان نظامی نتوانست به برطرف‌شدن خطر فروپاشی، کمک چندانی بکند (Arbatov, 1988: 8).

در نهایت می‌توان گفت، باتوجه‌به موقعیت سرزمینی ایران، داشتن موشک شاید تنها ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارکرد خود را در جنگ‌های دهه‌های اخیر منطقه غرب آسیا به‌وضوح نشان داده است؛ چنانکه در جنگ ایران و عراق، در مرحله‌ای که از آن به‌عنوان جنگ شهرها یاد می‌کنند، از موشک‌های بالستیک نوع اسکاد بسیار استفاده شد و درنهایت، به‌دنبال تخریب و ویرانی بسیاری که در این مرحله به‌بار آمد، جنگ پایان یافت و این امر اثر تعیین‌کننده موشک‌ها در جنگ را نشان داد (Cordesman, 2002: 126). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، دفاع موشکی را به‌عنوان گزینه‌ای گریزناپذیر درمقابل تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌داند.

### دیپلماسی دفاعی؛ کمک‌های مستشاری و توازن قوا

جمهوری اسلامی ایران طی دوران بحران سوریه، کمک‌های همه‌جانبه‌ای به متحدین راهبردی خود داشته است. کمک‌های ایران به حکومت سوریه (و همچنین به سایر متحدین خود از جمله حزب‌الله، جهاد اسلامی فلسطین و...) را باید شامل موارد ذیل دانست: ۱. نفت و کمک‌های مالی، ۲. حمایت و پشتیبانی اطلاعاتی، ۳. کمک‌های تسلیحاتی و ارائه تجهیزات نظامی، ۴. فرستادن متخصصان و افسران فنی به سوریه جهت آموزش نیروهای ارتش این کشور، ۵. تشکیل و آموزش شبه نظامیانی چون جیش‌الشعبه (سپاه فاطمیون) مطابق راهبرد دفاعی - نظامی خود در سوریه (11: Clarion Project, 2014).

همچنین باید تصریح کرد که، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران، معتقد است: «رژیم سوریه بخش مهمی از محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و خط مقدم مبارزه ایران با امریکا است». برخی از مقامات رسمی ایران به موضوع حمایت بی‌حد و حصر تهران از رژیم اسد به دیده تردید نگریسته‌اند، اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران حمایت همه‌جانبه را اتخاذ کرده است (حشمت‌سنا، ۱۳۹۵: ۵).

درگیر شدن جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه نیز فرصت‌هایی را برای این کشور خلق کرده است. حمایت همه‌جانبه ایران از حکومت سوریه این تلقی را بین کشورهای منطقه ایجاد کرده که ایران متحد قابل‌اعتمادی است که در هر شرایطی متحدین خود را تنها نمی‌گذارد. رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات عراق، یمن و بحرین این موضوع را تقویت می‌کند.

نوع بازیگری جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه باعث شده است تا جناح رقیب اگرچه از لحاظ توان مالی و نظامی برتری محسوس‌تری دارد، اما در حالت انفعالی قرار بگیرد. مهم‌ترین بازوی جناح مخالف، گروه‌ها و جریان‌های تکفیری نظیر داعش و جبهه‌النصره است که باتوجه به جنایات بی‌شماری که در سوریه و عراق مرتکب شده‌اند، تنفر افکار عمومی جهان را برانگیخته‌اند و هم‌اکنون به تهدیدی برای حامیان‌شان نیز تبدیل شده‌اند. به نظر می‌رسد، علاوه بر تداوم و حفظ رابطه با گروه‌های هم‌پیمان، حمایت ایران از دولت سوریه در مقابل مخالفان، فرصت‌های دیگری نیز برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد که از مهم‌ترین آنها

می‌توان به برتری ایران و محور مقاومت در منطقه در چارچوب موازنه قوا با رقبای منطقه‌ای خود به‌ویژه عربستان، افزایش قدرت نرم این کشور در منطقه، دورکردن تهدید از مرزهای خود و کشاندن تهدید به پشت مرزهای رژیم اشغالگر قدس و مهم‌تر از همه بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای خود به‌عنوان عاملی مهم در راستای دیپلماسی دفاعی و تحولات بین‌المللی اشاره کرد. در این رابطه باید گفت، جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب مواضع اصولی و تلاش‌های دیپلماتیک خود برای برقراری ثبات و آرامش در منطقه و سوریه از هر رویکردی که مانع جنگ و درگیری شود و گفتگوهای سوری - سوری را تقویت کند، حمایت کرده و طرح‌های مختلفی را برای حل بحران سوریه به شیوه سیاسی ارائه داده است. طرح‌هایی که در آنها هم اصول سیاست خارجی کشور مدنظر قرار گرفته است و هم راه‌حلی عملی در آن برای حل بحران سوریه وجود دارد. به‌عنوان مثال؛ در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ رؤسای جمهوری سه کشور ایران، ترکیه و روسیه، طی یک نشست مهم در «سوچی» روسیه، دیدار و گفتگو کردند. بازگرداندن حاکمیت سوریه، راه‌اندازی گفتگوها بین نیروهای مختلف سیاسی سوری و به‌پایان‌رساندن عملیات ضدتروریستی در این کشور از محورهای این نشست بود (مسعودنیا، ابراهیمی و درج، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران با هرگونه اقدام که باعث ازدست‌رفتن متحد راهبردی (سوریه) و همچنین دوستان و گروه‌های همسوی خود در منطقه شود، مخالفت می‌ورزد و همچنان درهای خود را به روی کشورهای منطقه برای گفتگو (در راستای دیپلماسی دفاعی) جهت یافتن راه‌حلی برای توقف خونریزی‌ها در سوریه و قطع کردن دخالت‌های غرب و دشمنان، در این کشور باز گذاشته است و از هیچ‌گونه کمک‌های مستشاری به متحدین خود دریغ نمی‌ورزد.

### نتیجه‌گیری

بعد از انقلاب اسلامی، به‌ویژه طی جنگ تحمیلی، تلاش‌های مهمی برای افزایش توان دفاعی و برنامه‌های نظامی انجام شد که مهم‌ترین محور این تلاش‌ها، دستیابی به فناوری موشک‌های پیشرفته بود. از آنجاکه امروزه توانمندی موشکی، اصل اساسی کشورها در راهبرد

بازدارندگی است، توجه ایران به افزایش قابلیت‌های موشکی خود در راستای افزایش توان و گستره بازدارندگی دفاعی، امری بدیهی محسوب شده و از مبانی اصولی بازدارندگی در رهنامه (دکترین) دفاعی کشور است.

روند روبه‌پیشرفت ایران در توسعه ظرفیت‌های فضایی، منجر به توسعه توان بومی کشور در تولید موشک‌هایی با قابلیت‌های دفاعی بهتر شده و نیاز کشور به فناوری‌های وارداتی را کاهش داده است. همچنین تقویت توان نظامی نیروهای مسلح کشور از طریق یکسان و یکپارچه‌سازی سامانه‌های موجود در فضا و توسعه توانایی موشک‌های ضدماهواره‌ای برای ایجاد اختلال در سامانه‌های ارتباطی دشمنان در جهت توسعه سیاست دفاعی ایران باعث افزایش قابلیت بازدارندگی کشور به خارج از مرزهای جغرافیایی شده و توان نیروی دفاعی در پاسخ به حملات و تهدیدات در ورای سرزمین‌های ایران را نیز امکان‌پذیر کرده است. افزایش قابلیت موشکی کشور، گام اساسی در توسعه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران است که این امر برای ایجاد بازدارندگی مؤثر از طریق توسعه ظرفیت‌های فضایی با تقویت برد و دقت موشک‌های بالستیک محقق خواهد شد. براین اساس، این امکان برای ایران فراهم می‌شود تا اهداف را در بُعدی گسترده‌تر پوشش دهد و بنابراین، دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران گسترش یافته و علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای، دفع تهدیدات فرامنطقه‌ای و فراسرزمینی نیز محقق شده است. می‌توان اهداف ایران از تلاش برای توانمندی موشکی در جهت تقویت بازدارندگی را، گسترش نفوذ و تعامل، بین کشورهای منطقه و جهان، ایجاد تقویت حاکمیتی در منطقه، از بین بردن نفوذ آمریکا در منطقه، جلوگیری از سلطه و جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین تغییر در معادله قدرت دانست که مهم‌ترین بُعد آن تقویت روابط بین‌المللی و گسترش توان بازدارندگی دفاعی به خارج از مرزهاست.

اساس رهنامه و راهبرد ترکیبی بازدارندگی شبکه‌ای و مبتنی بر توانمندی متعارف دفاعی، گذار از «بازدارندگی مبتنی بر توان پنهان یا ارباب محض» استوار است؛ زیرا الگوی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در صدد بالابردن سطح بازدارندگی، بهبود ضریب امنیتی کشور و خلق یک محیط امنیتی مطلوب و سازنده است. چنین محیطی، بستر ساز بالندگی و توسعه و رفاه بیشتر مردم کشور در سطح داخل بوده و باعث ترویج و نهادینه‌ساختن الگو و رژیم امنیت



جمعی در سطح محیط پیرامونی و فراپیرامونی خود خواهد بود. این همان دیپلماسی دفاعی - راهبردی یعنی بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای پیشبرد هدف‌های نظامی یا حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های نظامی در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای است. از این رو، راهبرد تسلیحاتی و امنیتی ایران بر راهبرد تدافعی، موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد، تنش‌زدایی و همکاری تأکید دارد. بنابراین، رویکرد و گفتمان حاکم بر راهبرد تسلیحاتی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی و تولید قدرت برای مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و خنثی‌سازی آنها، رویکرد ترکیبی تعاملی - تدافعی همه‌جانبه است.

منابع

فارسی

۱. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)، بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنوب غرب تعهد (تاریخ مشاهده <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840>) (۱۳۹۸/۱/۲۵)
۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و پیران‌خواه، سحر (۱۳۹۶)، تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۶، ش ۸۳: ۷۴ - ۵۱.
۳. امینیان، بهادر و ضمیری جیرسرایبی، شفق (۱۳۹۵)، تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال نهم، ش ۳۲: ۶۶ - ۴۱.
۴. انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی اروپا، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، ش ۸: ۱۶۲ - ۱۲۹.
۵. بشری، اسماعیل (۱۳۸۹)، نقش موشک در سیاست بازدارندگی ج.ا.ایران، **پژوهش (نامه) روابط بین‌الملل**، ش ۴۹.
۶. بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی چین **فصلنامه راهبرد دفاعی**، ش ۸: ۱۲۸ - ۹۱.
۷. پورآخوندی، نادر (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال دوم، ش ۸.
۸. پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۵)، شاخص‌های قدرت نرم دیپلمای دفاعی جمهوری اسلامی ایران، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و چهارم، ش ۹۵: ۳۴ - ۹.
۹. تاج‌آبادی، حسین و مرادیان، بهزاد (۱۳۹۳)، دیپلماسی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در برابر دیپلماسی اجبار ایالات متحده آمریکا، **دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال چهارم، ش ۱۱: ۷۸ - ۴۹.
۱۰. جوانمرد، مهدی (۱۳۸۸)، **امنیت ملی دفاعی نامتقارن در عصر جنگ نرم**، دومین همایش علمی پژوهشی پدافند غیر عامل، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۱. حشمت‌سنا، علی (۱۳۹۵/۲۰/۲۰) حمایت ایران از سوریه و تأثیرات آن بر خاورمیانه، فلسفی - سیاسی و تاریخی، قابل دسترس در: <http://ali-hashmat-sana.blogfa.com/1395/02>

۱۲. حیدری، ناصرالدین (۱۳۹۳)، اثرات تهدیدزای گسترش سپر دفاع موشکی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، ش ۳.
۱۳. ذوالفقاری، مهدی و خسروی، ایمان (۱۳۹۵)، تحرکبخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تأثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره اول، ش ۲۲: ۱۱۲ - ۱۱۱.
۱۴. روزنامه کیهان، ۲۶ مهر ۱۳۹۴، تاریخ مشاهده ۱۳۹۸/۱/۱۷.
۱۵. طارمی، کامران (۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۵۹: ۱۸۰ و ۱۸۶.
۱۶. عباسی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، ش ۱۷: ۷۴.
۱۷. غلامی، سعید (۱۳۹۷)، **دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه ۱۳۹۶ - ۱۳۸۸**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
۱۸. فریدمن، لارنس (۱۳۸۵)، بازدارندگی **فصلنامه راهبرد دفاعی**: ۱۵۳.
۱۹. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، سال اول، ش ۳: ۸۱ - ۶۹.
۲۰. قوام‌ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری**، سال ۲، ش ۵: ۱۰۶ - ۹۹.
۲۱. کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۴)، کاربست سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و راهبرد نظامی، **مجله سیاست دفاعی**، سال ۲۳، ش ۳۵: ۴۵ - ۴۴.
۲۲. کردسمن، آنتونی. اچ (۱۳۸۲)، **موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه**، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ندسا) تهران: سایه روشن.
۲۳. مسعودنیا، حسن؛ ابراهیمی، شهروز و درج، حمید (۱۳۹۷)، واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، ش ۲۸: ۱۴۱.
۲۴. مؤمن‌زاده، رضا (۱۳۹۲)، بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران **پژوهشنامه دفاع مقدس**، س ۲، ش ۷: ۱۵۰ و ۱۵۱.
۲۵. مینائی، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۶، ش ۸۳: ۱۱۵.

۲۶. نسیم آنالین (۱۳۹۶/۳/۲۶) حمله موشکی سپاه به مقرّ تروریست‌ها در دیرالزور، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۸/۶/۱۴  
قابل دسترس در: <http://old.nasimonline.ir/Content/Detail/>

انگلیسی

1. Arbatov, A (1988) "Parity & Reasonable Sufficiency", International Affairs, October
1. Clarion Project (2014), "the Islamic State", Clarion Project, <http://www.clarionproject.org/sites/default/files/islamic-state-isis-isil-factsheet-1.pdf>
2. Cordesman, Anthony H. (2002), «Strategic threats and national missile defenses», Westport, Connecticut, Praeger Publishers.
3. Cordesman, A. H., & Kleiber, M. (2007), Iran's military forces and warfighting capabilities: the threat in the Northern Gulf, CSIS.
4. Cordesman, Anthony H. (2014), "Iran's Enduring Missile Threat: the Impact of Nuclear and Precision Guided Warheads", Center for Strategic & International Studies, Available at: <https://www.csis.org/analysis/irans-enduring-missile-threat-impact-nuclear-and-precision-guided-warheads-0>
5. Cordesman, Anthony H. (2015), "The Iran Nuclear Agreement and Conventional Arms Transfers in the Gulf", Center for strategic & International Studies, Available at: <https://www.csis.org/analysis/iran-nuclear-agreement-and-conventional-arms-transfers-gulf>.
6. Du plessis, A. (2008). Defense diplomacy: conceptual and practical dimensions with specific reference to South Africa. Strategic review for southern Africa. 1 November.
7. Fabiani, Z (2003) the defense diplomacy, main component of the preventive diplomacy. Toward a new symbiosis between diplomacy and defense, III (1) available at: <http://www.afri-ct.org/the-defence-diplomacymain?lang=fr>
8. Federation of American Scientists (2012) "Annual Report on Military Power of Iran", (observed: 1, 12, 2012), Available at: <https://fas.org/man/eprint/dod-iran.pdf>
9. Feickert, Andrew (2014), "Iran's Ballistic Missile Capabilities", LIBRARY OF CONGRESS WASHINGTON DC CONGRESSIONAL RESEARCH.
10. Hart, B, H, Liddell (1967) "Strategy", 2d Ed, New York: Frederick A, Praeger.
11. Hildreth, Steven A. (2012) Congressional research Service, "Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs", December 6, 7-5700, [www.crs.org](http://www.crs.org), R 42849.
12. Hildreth, Steven A. (2012), "Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs", Congressional Research Service, Library of Congress.